

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

The Impact of Psycho-Social Interventions and Social Emergency Support and the Reform and Training Center in Crime Prevention for Delinquent and Victimized Children in the New Criminal Procedure Code

Behjat Parizad^{1*}

1. MA, Department of Criminal Law and Criminology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.

* Corresponding Author's Email: Parizad.insurer1012@gmail.com

ABSTRACT

Children and adolescents are considered the most important asset and human resources of any society. Childhood, as the period of personality formation, is of particular significance, especially in Iranian society, which has a young population. Social workers, utilizing the teachings of psychology, sociology, and other disciplines, as well as adhering to professional principles such as acceptance and individuality, aim to assist the criminal justice system. Through the methods they employ in understanding individuals, they can offer effective support in providing responses tailored to the personal, familial, and social conditions of children. Additionally, by overseeing the enforcement of sentences, they can accompany the child until the completion of rehabilitation and reintegration. Unfortunately, in Iran, due to the lack of a juvenile justice system on one hand and the absence of systematic social work services within the criminal justice system on the other hand, social workers currently do not offer cohesive services to delinquent and victimized children within the criminal system. However, the legal gap in this area has created the opportunity for drafting the "Bill for the Protection of Children and Adolescents" and the bill addressing crimes against children and adolescents. In these drafts, the presence of social workers and their interaction with judicial authorities in various stages of the criminal process, such as the police stage, investigation, prosecution, and enforcement of sentences, has been recognized in several articles. Therefore, despite international emphasis on supporting children and employing differential proceedings for them at various stages of the criminal process, we have yet to witness the formation of such a system in Iranian law that aligns with international standards. Consequently, this paper examines the impact of social emergency psycho-social interventions and the Reform and Training Center on crime prevention and the support of delinquent and victimized children within the Iranian criminal justice system, in accordance with the new Criminal Procedure Code. The findings indicate that if the educational and cultural programs of the Reform and Training Center are implemented with a developmental and educational approach, they will contribute to the correction, rehabilitation, training, and personality reconstruction of the delinquent child.

Keywords: *Psycho-Social Interventions, Social Emergency, Reform and Training Center, Delinquent and Victimized Children in the Criminal Justice System.*

How to cite: Parizad, B. (2024). The Impact of Psycho-Social Interventions and Social Emergency Support and the Reform and Training Center in Crime Prevention for Delinquent and Victimized Children in the New Criminal Procedure Code. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(3), 17-40.



تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تأثیرگذاری مداخلات روانی- اجتماعی و حمایت اورژانس اجتماعی و کانون اصلاح و تربیت در پیشگیری از وقوع جرم از کودکان بزهکار و آسیب دیده در نظام آیین دادرسی کیفری جدید

پریزاد بهجت^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Parizad.insurer1012@gmail.com

چکیده

کودکان و نوجوانان مهم‌ترین سرمایه و منابع انسانی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. دوران کودکی به عنوان دوره شکل‌گیری شخصیت انسان، به ویژه در جامعه ایران که جمعیت آن را جمعیتی جوان تشکیل می‌دهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مددکاران اجتماعی با بهره‌گیری از آموزه‌های علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی و... و همچنین رعایت اصول مختلف حرفه‌ای مانند اصل پذیرش و اصل فردیت و ارائه خدمات متنوع، در صدد کمک به نظام عدالت کیفری هستند. آن‌ها با استفاده از روش‌هایی که در شناخت افراد دارند، می‌توانند در ارائه پاسخ‌های متناسب با شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی کودک کمک مؤثری کنند و همچنین با نظارت بر اجرای احکام، کودک را تا مرحله تکمیل بازپروری و توانبخشی همراهی کنند. متأسفانه در ایران، به دلیل فقدان نظام عدالت کیفری ویژه کودکان از یک سو و فقدان خدمات مددکاری نظام‌مند در چارچوب نظام عدالت کیفری از سوی دیگر، مددکاران اجتماعی در حال حاضر خدمات منسجمی را در چارچوب نظام کیفری به کودکان بزه دیده و بزهکار ارائه نمی‌دهند. با این حال، وجود خلاء قانونی در این حیطه، زمینه را برای تدوین «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» و لایحه رسیدگی به جرایم علیه کودکان و نوجوانان فراهم کرده است. در لوایح مذکور، حضور مددکاران اجتماعی و تعامل آن‌ها با مراجع قضایی در مراحل مختلف فرآیند کیفری، مانند مرحله پلیس، مرحله تعقیب و صدور و اجرای احکام، در چندین ماده به رسمیت شناخته شده است. بنابراین، علیرغم تأکید فراوان بین‌المللی بر حمایت از کودکان و استفاده از دادرسی‌های افتراقی برای آن‌ها در مراحل مختلف فرآیند کیفری، هنوز شاهد شکل‌گیری چنین نظامی در حقوق ایران که با استانداردهای بین‌المللی مطابقت داشته باشد، نبوده‌ایم. از این رو، این مقاله به بررسی تأثیر مداخلات روانی-اجتماعی اورژانس اجتماعی و کانون اصلاح و تربیت بر پیشگیری از جرم و حمایت از کودکان بزهکار و آسیب‌دیده در نظام عدالت کیفری ایران مطابق با قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که اگر برنامه‌ها و اقدامات آموزشی و فرهنگی کانون اصلاح و تربیت با رویکردی رشدمحور و آموزش‌محور در جهت اصلاح، بازپروری، تربیت و بازسازی شخصیت آسیب‌دیده بزهکار عمل کند.

کلیدواژگان: مداخلات روانی- اجتماعی، اورژانس اجتماعی، کانون اصلاح و تربیت، کودکان بزهکار و آسیب دیده در نظام دادرسی کیفری

نحوه استناددهی: بهجت، پریزاد. (۱۴۰۳). تأثیرگذاری مداخلات روانی- اجتماعی و حمایت اورژانس اجتماعی و کانون اصلاح و تربیت در پیشگیری از وقوع جرم از کودکان بزهکار و آسیب دیده در نظام آیین دادرسی کیفری جدید. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲ (۳)، ۴۰-۱۷.



کودکان آغاز شد (Hosseinzadeh & Mirzaei Aghaei, 2012).

از آنجا که کودکان و نوجوانان اغلب به دلیل عدم حمایت‌های لازم و نظارت مناسب، بزهکار یا بزه دیده می‌شوند، حضور افرادی با تخصص غیرقضایی مانند مددکاران اجتماعی به عنوان بالینی‌ترین مأموران شبه قضایی در فرآیند کیفری می‌تواند نقش مهمی در بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم کودکان و نوجوانان بزهکار و بازپروری، پیشگیری از بزه دیدگی مکرر و بزه دیدگی ثانویه کودکان و نوجوانان بزه دیده ایفا کند. آسیب‌ها و جرایم اجتماعی در همه جوامع وجود داشته و در جوامع مختلف، برنامه‌های متعددی برای کنترل و کاهش آن‌ها و همچنین مقابله با آن‌ها تدوین و اجرا شده است. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. شاید به دلیل اهمیت این موضوع باشد که اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر موضوع پیشگیری از جرم تأکید دارد یا اصول دیگری (از جمله اصول ۱۰ و ۲۹) بر تحکیم بنیان خانواده و حمایت از افراد نیازمند و غیره تأکید دارد. یکی از برنامه‌هایی که از ۱۰ سال پیش در جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و از جمله اهداف آن کمک به پیشگیری از جرم و پیشگیری از وقوع جرم است، برنامه «اورژانس اجتماعی» است که توسط سازمان بهزیستی کشور تدوین و در حال حاضر در حال اجرا است (۴). با توجه به شیوع روزافزون بزهکاری در بین کودکان و نوجوانان، قانون جدید مجازات اسلامی، ماهیت و شدت مجازات آن‌ها را بر اساس سن و جرم ارتكابی آنها، با هدف تربیت و تأدیب آن‌ها تعیین کرده و محکومیت‌های کیفری کودکان و نوجوانان را فاقد آثار کیفری دانسته است. یکی از شناخته‌شده‌ترین واکنش‌های تنبیهی و تربیتی در حوزه دادرسی کیفری علیه کودکان و نوجوانانی که معارض قانون هستند، سلب آزادی و نگهداری کودکان و نوجوانان در کانون‌های اصلاح و تربیت است؛ بنابراین، این نهاد که با هدف اصلاح، بازپروری و تربیت کودکان و نوجوانان بزهکار تأسیس شده است، نیازمند اجرای برنامه‌های مشخص و مستند

در دنیای پیچیده امروزی، روز به روز شاهد افزایش جرم و بزهکاری هستیم و متأسفانه سن بزهکاری هر روز پایین‌تر می‌آید، به طوری که هر روز شاهد ورود نوجوانان بیشتری به کانون‌های اصلاح و تربیت هستیم که حتی به سن قانونی نرسیده‌اند اما به دلیل ارتکاب جرم در کانون هستند. این نوجوانان حاصل تربیت نادرست، خانواده و جامعه نامناسب هستند و نه تنها مرتکب جرم شده‌اند، بلکه بستر جامعه و خانواده آن‌ها را در این وضعیت قرار داده است. بنابراین، شناخت بزهکاری و جرم، عوامل ایجادکننده آن، دلیل روی آوردن نوجوانان به بزهکاری و یافتن راهی برای پیشگیری از آن بسیار مهم است (Sabouri-Pour & Hagbin, 2023). وضعیت آسیب‌پذیر ویژه کودکان و نوجوانان، چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی، ایجاب می‌کند که یک سیاست کیفری افتراقی در قبال آن‌ها اتخاذ شود. توجه به این موضوع عمده‌تأ حاصل مطالعات جرم‌شناسی بالینی است که ریشه در مکتب تحقیقی دارد (Mir Kamali & Hosseini, 2015). رهبران این مکتب، یعنی چزاره لمبرزو، انریکو فری و گارو فالو در ایتالیا، در پی کشف علت بزهکاری برآمدند و توجه حقوق جزا را از جرم به مجرم معطوف کردند. طرفداران این مکتب در سال ۱۹۰۶ کنگره انسان‌شناسی کیفری را در تورین ایتالیا برگزار کردند. در این کنگره توصیه شد که در زمینه بزهکاری نوجوانان: ۱- قاضی باید بتواند بسته به شرایط فردی-اجتماعی، تدابیر و اقدامات مختلفی را نسبت به هر کودک به کار گیرد؛ ۲- هرگونه رفتار اصلاحی نسبت به کودک باید قبل از معاینات پزشکی-روانشناختی و بررسی سوابق خانواده و اجداد او انجام شود. پس از آن، به تدریج با تأسیس دادگاه‌های اطفال و نوجوانان در قوانین داخلی کشورها، تصویب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق کودک و ظهور مکاتب جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، حرکت به سمت رویکردهای اصلاحی، ترمیمی و رفاهی در برخورد با بزهکاری نوجوانان و

برای تربیت و بازسازی شخصیت اجتماعی آن‌ها و آماده‌سازی آن‌ها برای بازگشت به جامعه است. آنچه مورد سوال است این است که این نهاد تا چه حد در اصلاح و بازپروری شخصیت کودکان و نوجوانان برای جلوگیری از تکرار جرم آن‌ها پس از آزادی و خروج از کانون موفق بوده است. در این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین جایگاه کانون اصلاح و تربیت در پیشگیری از تکرار جرم در بین کودکان و نوجوانان پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

صبوری پور و حق بین (۱۴۰۲) نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در پیشگیری از کودک آزاری را بررسی کردند. در این مطالعه که با روش کتابخانه‌ای انجام شد، نوآوری‌ها و چالش‌های این قانون بررسی شد. نتایج این مطالعه به شرح زیر است: از جمله نوآوری‌های این قانون می‌توان به استفاده حداکثری از ظرفیت سازمان‌های دولتی از جمله سازمان بهزیستی در پیشگیری از کودک آزاری، شناسایی و حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان در معرض خطر بزه دیدگی مانند کودکان در معرض خطر ترک تحصیل، کودکان دارای والدین زندانی و معتاد و بازتعریف آسیب‌های پیش روی کودکان و نوجوانان مانند استثمار اقتصادی کودکان و پورنوگرافی کودکان اشاره کرد. از سوی دیگر، از جمله چالش‌های عملی این قانون می‌توان به محدود کردن مفهوم آزار عاطفی و عدم ضمانت اجرای آن، اعمال حداقل مجازات برای والدین آزارگر، اعمال حداقل مجازات برای جرم آزار جنسی افراطی و عدم وجود سازوکارهای مناسب برای تشکیل پرونده شخصی برای کودکان قربانی اشاره کرد (Sabouri-Pour & Hagbin, 2023).

میر کمالی و حسینی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، کانون اصلاح و تربیت را از منظر پیشگیری توسعه‌گرا بررسی کردند. بر اساس مطالب این مطالعه، رویکرد پیشگیری توسعه‌گرا نیز بر آموزش و مداخله در

شخصیت کودکان و نوجوانان برای پیشگیری از بزهکاری و مزمن شدن آن تمرکز دارد. برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و تفریحی موجود در کانون اصلاح و تربیت، مفهوم نظم، مسئولیت‌پذیری و آموزش زندگی سالم را به طور کامل القا می‌کنند که برای از بین بردن عوامل خطر بزهکاری مددجویان طراحی شده‌اند. به عبارت دیگر، محور تمام اقدامات مذکور، اصلاح و تربیت نوجوانان است. تأکید اسناد بین‌المللی در این زمینه بر فراهم کردن امکانات رفاهی، آموزشی و تربیتی برای نوجوانان محروم از آزادی نیز موید این امر است. بنابراین، اقدامات و برنامه‌های اجرایی کانون اصلاح و تربیت کاملاً در راستای اهداف پیشگیری توسعه‌گرا بوده و اهداف توسعه‌گرای نظام عدالت کیفری نوجوانان به طور کلی و نهاد مورد نظر به طور خاص را تأمین می‌کند (Mir Kamali & Hosseini, 2015).

کشفی و اصلی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان و کودکان و نوجوانان» به بررسی نقش مددکاران اجتماعی در سیستم قضایی کشور پرداخته‌اند. آن‌ها بیان می‌کنند که یکی از مشکلات در روند رسیدگی به پرونده‌های کودکان و نوجوانان، عدم درک جایگاه مددکاران اجتماعی است، زیرا نحوه برخورد با این گروه از کودکان بسیار فنی و روان‌شناختی است. نتیجه‌گیری اصلی این تحقیق این است که مددکاران اجتماعی می‌توانند نقش بسزایی در عدالت ترمیمی داشته باشند (Kashfi & Asanlou, 2011).

روش تحقیق

این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده روش گردآوری تحقیق بخش‌هایی از پایان نامه به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. هم‌چنین جستجو و تحصیل داده‌ها با استفاده از روش‌های توصیفی، استدلال، تفسیر، استنباط و قیاسی می‌باشد. و بخش‌هایی دیگر از روش تحلیل داده‌های آماری با روش توصیفی-تحلیلی استفاده می‌شود. در این مقاله با استفاده از منابع مکتوبی چون کتاب‌ها،

به افراد در سازمان بهزیستی کشور «محدود به زمان و مکان» نباشد و «رویکرد فعال» جایگزین «رویکرد غیرفعال» شود. این برنامه با هدف جایگزینی «مداخلات روانی-اجتماعی» قبل از «مداخلات قضایی و انتظامی» و حتی در کنار این نوع مداخلات انجام می‌شود که نقش مهمی در «پیشگیری از جرم» و «جرم‌زدایی» دارد (Kashfi & Asanlou, 2011).

اهداف کلی: ۱- کنترل و کاهش بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی ۲- در دسترس قرار دادن خدمات تخصصی و اورژانسی سازمان بهزیستی برای عموم مردم

اهداف فرعی: ۱- ارتقای توانمندی‌های افراد در معرض آسیب و آسیب‌های اجتماعی ۲- ارتقای آگاهی و شناخت خانواده و جامعه نسبت به نیازهای مراجعین به منظور تسهیل فرآیند حل مسئله در شرایط بحرانی ۳- شناسایی مناطق و کانون‌های آسیب و انجام مداخلات تخصصی ۴- ایجاد زمینه برای مشارکت مردم و سازمان‌های مردم نهاد (Niazpour, 2012).

افراد واجد شرایط دریافت خدمات عبارتند از: ۱- زوجین متقاضی طلاق و افراد دارای اختلافات حاد خانوادگی ۲- زنان و دختران در معرض آسیب اجتماعی یا آسیب‌های اجتماعی ۳- افرادی که قصد خودکشی دارند یا اقدام به خودکشی کرده‌اند. ۴- کودکان خیابانی و کار ۵- همسران مورد آزار ۶- کودکان مورد آزار ۷- دختران و پسرانی که از خانه فرار می‌کنند ۸- افراد دارای اختلالات هویت جنسیتی ۹- سایر افراد در شرایط بحرانی.

-چگونگی اثربخشی اورژانس اجتماعی (مداخلات روانی-

اجتماعی) در پیشگیری از جرم

بی‌تردید، توجه به پیشگیری اجتماعی با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود، زمینه لازم را برای حمایت از افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیدگان اجتماعی فراهم می‌کند. در این راستا، تقویت مداخلات روانی-اجتماعی بیش از پیش در پیشگیری از

مقالات، نشریات، روزنامه‌ها، سایت‌های علمی و پایان‌نامه‌هایی که به بررسی بزهکاری کودکان و مددکاری اجتماعی و نیز رابطه و تأثیر این دو و سایر مباحث مطرح در موضوع نگارش یافته‌اند، مطالب لازم را جمع‌آوری و پس از فیش برداری از منابع به دست آمده و نیز از تحلیل داده‌های آماری با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته شده است.

مفاهیم کلیات و جایگاه و نقش مددکاری اجتماعی

- اورژانس اجتماعی

به مراکزی اطلاق می‌شود که با هدف ارائه خدمات تخصصی و فوری به افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیدگان اجتماعی فعالیت می‌کنند تا از بازگشت آن‌ها به آسیب جلوگیری شود (Mahdavi, 2011). اختلالات اقتصادی، اجتماعی و روانی از جمله عواملی هستند که زمینه مساعدی را برای انواع آسیب‌های اجتماعی مانند انحرافات جنسی، طلاق، سرقت، اعتیاد، همسرآزاری، کودک‌آزاری، فرار از خانه، خودکشی و غیره فراهم می‌کنند. بنابراین، در هر جامعه‌ای، اقداماتی انجام می‌شود و برنامه‌هایی برای پاسخگویی به نیازهای مردم و حل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی آن‌ها تدوین و اجرا می‌شود. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. یکی از این برنامه‌ها در جمهوری اسلامی ایران، «برنامه اورژانس اجتماعی» است که حاصل چندین سال فعالیت سازمان بهزیستی کشور در دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی است. این برنامه ترکیبی از ۱- مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی (مرکز اورژانس اجتماعی) ۲- خط تلفن اورژانس اجتماعی (۱۲۳) ۳- تیم سیار اورژانس اجتماعی (خدمات اجتماعی سیار) ۴- پایگاه‌های اجتماعی است که هر کدام فعالیت‌های تخصصی خود را دارند (Najafi Abrandabadi, 2011).

سه ویژگی اصلی این برنامه عبارتند از: «تخصصی بودن»، «به موقع بودن» و «در دسترس بودن» به طوری که ارائه خدمات اجتماعی

جرم و آسیب‌های اجتماعی ضروری است (Niazpour, 2012). در ادامه به برخی از اثرات این نوع مداخله اشاره می‌شود:

الف. عدم تشکیل پرونده قضایی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای مداخلات روانی-اجتماعی، کمک به کاهش تشکیل پرونده‌های قضایی است که به کاهش تعداد افراد دارای سابقه کیفری کمک می‌کند. می‌دانیم که اگر فردی سابقه کیفری داشته باشد، در بسیاری از موارد فرصت‌ها را از دست می‌دهد و حتی ممکن است نتواند از حقوق خود دفاع کند یا از حقوق عادی خود بهره‌مند شود. علاوه بر این، افراد دارای سابقه کیفری معمولاً توسط خانواده و جامعه به درستی پذیرفته نمی‌شوند که این امر می‌تواند در آینده برای آن‌ها مشکل‌ساز باشد.

ب - تسهیل توانمندسازی

از آنجایی که مهمترین هدف اقدامات انجام شده در حوزه افراد درگیر با جرایم و آسیب‌های اجتماعی، زمینه‌سازی برای بازگشت آن‌ها به زندگی سالم و مستقل است، این هدف از طریق مداخلات اجتماعی بهتر قابل دستیابی است؛ زیرا در چنین شرایطی، اعتماد به نفس افراد افزایش می‌یابد، خانواده‌هایشان آن‌ها را بیشتر و بهتر باور می‌کنند و جامعه بستر مناسبی را برای ورود آن‌ها به محیط اجتماعی و داشتن زندگی مستقل فراهم می‌کند (Farjad, 1984).

هرچه فاصله زمانی بین بروز مشکل و زمان مداخله تخصصی کمتر باشد، مداخلات در فراهم کردن زمینه بازگشت افراد به زندگی سالم، مستقل و مؤثر در جامعه مؤثرتر خواهد بود. به همین دلیل، اگر مشکلات افراد در داخل خانه شناسایی شود و با کمک آن‌ها و متخصصان اورژانس اجتماعی، اقداماتی برای حل مشکلات انجام شود، توانمندسازی بسیار آسان‌تر از زمانی خواهد بود که افراد پس از گذراندن دوران محکومیت زندان، از طریق زندان یا مراجع قضایی به سازمان بهزیستی ارجاع داده شوند. به همین دلیل، سازمان بهزیستی در نظر دارد با اتخاذ رویکرد جامعه‌محور به جای

مرکز‌محور (کمک اجتماعی فعال به جای روش غیرفعال)، این شکاف را کاهش دهد. البته این به معنای به صفر رساندن فاصله زمانی بروز مشکل تا زمان مداخله نیست، بلکه می‌توان آن را کاهش داد و کم کرد. در واقع اورژانس اجتماعی می‌خواهد زمینه‌ای را فراهم کند که افراد در معرض آسیب و آسیب‌دیده، محدودیت مکانی و زمانی برای دریافت خدمات مورد نیاز خود نداشته باشند و به همین دلیل خدمات آن به صورت شبانه‌روزی و رایگان ارائه می‌شود (Carillo, 2002).

- بزهکاری کودکان و نوجوانان

جرم‌انگاری به مجموعه‌ای از جرایم کیفری اطلاق می‌شود که توسط افراد یک جامعه انجام می‌شود و بزهکاری کودکان و نوجوانان مربوط به سنینی است که توسط قوانین تعریف می‌شوند. بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیرباز مورد توجه و علاقه کارشناسان تربیتی، روانشناسان و مربیان بوده و تلاش‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام داده‌اند. قوانینی که بزهکاری را تعریف می‌کنند، بسته به شرایط اجتماعی و اقلیمی (تراکم جمعیت، وضعیت سکونت، وضعیت اقتصادی و غیره) از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. وجود ناهنجاری‌های اجتماعی، دانشمندان علوم اجتماعی را بر آن داشته است تا تحقیقات گسترده‌ای در مورد علل جرم و بزهکاری در جامعه انجام دهند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی در بزهکاری کودکان و نوجوانان دخیل هستند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود (Na'mati Rezaei, 2006): ۱. رشد طبیعی و سازگاری اجتماعی ۲. عوامل اجتماعی ۳. عوامل جسمی و خلقی ۴. اختلالات رشد شخصیت ۵. عوامل اجتماعی ثانویه در جرم‌شناسی، پدیده‌های جرم، بزهکاری و انحراف به عنوان سه عنصر اصلی در نظر گرفته می‌شوند. در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت:

- بزهکاری

جرم اولین پدیده‌ای است که با گرد هم آمدن افراد دور یکدیگر خود را نشان داد؛ زیرا گرد هم آمدن افراد، برخوردهای مختلفی را ایجاد می‌کرد که به نفع افراد و جامعه نبود. ناگزیر واکنش جامعه به نافرمانی آن‌ها از قوانین، «مجازات» بود. بنابراین، هر عملی که در جامعه، قوانین را نقض کند و منجر به مجازات شود، «جرم» نامیده می‌شود. مطالعات جرم‌شناسی نشان می‌دهد که هر معلولی علتی دارد و هیچ چیز به خودی خود به وجود نمی‌آید. بنابراین، هر جرمی نیز دارای علل سازنده‌ای است که بر فرد تأثیر می‌گذارد و او را به سمت ناسازگاری و ناهنجاری سوق می‌دهد. نتیجه این فشارها، ارتکاب خطا است و مجرم به معنای خاصی «مجرم» نامیده می‌شود (Mahdavi, 2011).

بزهکاری مجموعه‌ای از جرایم است که در زمان و مکان خاصی رخ می‌دهد. به همین دلیل، وقتی این پدیده بررسی می‌شود، در واقع شامل همه پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، سیاسی، مذهبی، خانوادگی و موارد مشابه در جامعه می‌شود. جامبو مرلن می‌نویسد: «جرم پدیده‌ای است که می‌توان آن را صرف نظر از مجرم بررسی کرد». در ایران، جرم به تمام جرایمی اطلاق می‌شود که در صورت ارتکاب، مشمول قوانین قصاص، دیه، مجازات و کیفر می‌شوند (۹). شواهد زیادی وجود دارد که ثابت می‌کند این موضوع از سال ۳۰۶ قبل از میلاد وجود داشته است. زیرا در میان قوانین اولیه رومی، مقرراتی برای کودکانی که دزدی می‌کردند، وجود داشته است. بنابراین می‌توان گفت که بزهکاری نوجوانان به هیچ وجه مختص نسل امروز نیست و این موضوع منحصر به هیچ کشور یا فرهنگی نیست. امروزه تقریباً در هر زبانی در جهان، اصطلاح خاصی برای جوانان و نوجوانانی به کار می‌رود که رفتار یا سلیقه آن‌ها در بین ملت‌ها آنقدر متفاوت است که افکار عمومی را برمی‌انگیزد. برای مثال، در انگلستان پسران تدی، در هلند نوزمز، در سودان راگار، در فرانسه بلوزونز، در آفریقای جنوبی تسوتسیز، در استرالیا بودجیز، در آلمان و اتریش هالباستارکن، در تایوان

تای‌پائو، در ژاپن پسران نامبو یا تای‌یوزوکو، در یوگسلاوی تاپکاروچی، در ایتالیا ویتلونی، در لهستان هولیگان و غیره. اما ما حق نداریم فرض کنیم که هر پسر تدی به طور فعال در بزهکاری دخیل است. این نام‌ها اغلب مردم را گمراه می‌کنند، در حالی که ناعادلانه است فرض کنیم که هر نوجوان یا جوانی که راک اند رول دوست دارد یا نوع خاصی از لباس را می‌پوشد، در مسیر بزهکاری قرار دارد، حتی اگر در حال حاضر بزهکار نباشد (Torkashvand, 2013). بزرگسالان اغلب از اصطلاح بزهکار برای ابراز خشم یا سلیقه‌های نادرست این شورشیان استفاده می‌کنند. دومین کنگره سازمان ملل متحد در مورد پیشگیری از جرم و برخورد با مجرمان توصیه می‌کند که در هر کشوری، بدون تلاش برای تعیین استاندارد برای آنچه که باید بزهکاری نوجوانان تلقی شود، اصطلاح بزهکاری نوجوانان باید تا حد امکان به شورش علیه قوانین کیفری محدود شود، بنابراین ما بدون دلیل و احتیاط از اصطلاح "بزهکاری نوجوانان" استفاده نمی‌کنیم. هر کودکی که خلاف قانون عمل می‌کند یا رفتار پرخاشگرانه‌ای انجام می‌دهد، نباید بزهکار تلقی شود. ناهمگونی بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای مختلف دیدگاه‌های متفاوتی در مورد اینکه چه کسی مجرم است و چه کسی نیست و چه کاری باید در مورد آن انجام شود، دارند. به عنوان مثال، یک شکل گسترده از جرم، جمع کردن ته سیگار از خیابان‌های قاهره است. در حالی که این عمل در کشورهای دیگر جرم محسوب نمی‌شود. به طور کلی، اگرچه شباهت‌های زیادی بین کودکی که ته سیگار را در خیابان‌های قاهره جمع می‌کند، یک کودک نیجریه‌ای که خانواده خود را بی‌آبرو می‌کند، یک نوجوان یا جوان آمریکایی که چاقوی ضامن‌دار می‌کشد یا یک کودک اروپایی که دزدی می‌کند، وجود دارد، اما تفاوت‌های زیادی نیز بین آن‌ها وجود دارد. با وجود این، همه آن‌ها مجرم محسوب می‌شوند. تنها می‌توان گفت که رفتار مجرمان در سراسر جهان آنقدر گسترده است که از یک رفتار جزئی تا سطح

کاملاً خشونت آمیز را در بر می گیرد. بنابراین، تمایز قائل شدن بین انواع مختلف رفتار و جرایم دشوار است (Na'mati Rezaei, 2006).

- بزهکاری پنهان

در گذشته، طبقه بندی پیشینه بزهکاران نشان می داد که این کودکان در شرایط زندگی فقیرانه بزرگ شده اند. اما بخش دوم یافته های گزارش سازمان ملل متحد، تغییر چشمگیری را در این روند نشان می دهد. در حال حاضر، نمی توان گفت که بزهکاری نوجوانان محدود به یک گروه اجتماعی-اقتصادی خاص است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می دهد کودکان وقتی از طریق اخاذی پول زیادی به دست می آورند، بزهکار می شوند. در فرانسه، اصطلاح «کتهای طلایی» نامی است که به مجرمانی از خانواده های ثروتمندتر از «بلوسن نوآر» داده می شود. اعمالی مانند دزدی از مغازه در بین کودکان حدود ۱۲ سال که نود درصد آنها پسر هستند، نسبتاً رایج است. این اعمال اغلب توسط گروه هایی انجام می شود که اعضای آنها یکدیگر را به دزدی تشویق می کنند تا خنده و سرگرمی ایجاد کنند. این سارقان از همه طبقات اجتماعی هستند و تقریباً هر چیز کم ارزشی را می دزدند. احتمال اینکه آنها از خانواده های مرفه باشند، بیشتر از سایر طبقات است. یک مطالعه اخیر در ایالات متحده نشان می دهد که تعداد نسبتاً زیادی از پسران بین ۱۳ تا ۱۹ سال درگیر اعمال بزهکارانه ای می شوند که هرگز در دادگاه ثبت نمی شوند. اینها فرزندان خانواده هایی با درآمد متوسط یا خوب هستند. مطالعات بیشتر منابع از نقاط مختلف جهان نشان می دهد که تعدادی بزهکار پنهان یا کشف نشده وجود دارند که اعمال آنها بسیار بدتر یا جدی تر از آن چیزی است که قبلاً گمان می رفت. تعداد فزاینده ای از آنها فرزندان خانواده هایی با وضعیت اقتصادی خوب هستند. البته بزهکاری در گروه هایی با وضعیت اقتصادی ضعیف نیز مشاهده می شود. اگرچه ممکن است اشتراکات زیادی وجود داشته باشد، بزهکاری نوجوانان در هر

منطقه و در هر کشور ویژگی های خاص خود را نشان می دهد (۳). در ایران، بزهکار کسی است که عملی را مرتکب می شود که قانون یا شرع از انجام آن منع کرده است یا عملی را که انجام آن واجب و ضروری است، ترک می کند. چنین شخصی در اسلام گناهکار و مجرم محسوب می شود و اگر توبه نکند، باید مجازات شود، چه مجازات و کیفر خاصی برای جرم او تعیین شده باشد یا نه. در صورت اخیر، به دستور حاکم شرع و مجتهد جامع الشرایط و مرجع ذیصلاح، تأدیب و مجازات می شود. اولین دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار در سال ۱۸۹۹ در ایالات متحده آمریکا تأسیس شد. سایر کشورهای جهان با اقتباس از قوانین آمریکا، به تدوین قوانین اطفال و نوجوانان بزهکار و تأسیس دادگاه های اطفال و نوجوانان پرداختند تا از بزهکاری نوجوانان و کودکان جلوگیری کرده و آنها را اصلاح و تربیت یا درمان کنند. مهمترین هدف از تأسیس دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، لزوم شناسایی علل بزهکاری و شخصیت کودک و اتخاذ روش های ویژه برای اصلاح، تربیت و بازپروری اطفال و نوجوانان بزهکار و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط آنها است (Niazpour, 2012).

- آیین دادرسی کیفری و جرم شناسی

قانون گذار ایران برای اولین بار در سال ۱۳۳۸ شمسی (۱۹۵۹ میلادی) به مسئله کودکان و اطفال بزهکار از دیدگاه علمی و واقع بینانه توجه کرد و در آن سال قانونی تحت عنوان «قانون تشکیل دادگاه اطفال و اطفال بزهکار» تصویب شد. اولین قانون اصلاح و تربیت در سال ۱۳۴۷ شمسی (۱۹۶۸ میلادی) در تهران، ۹ سال پس از تصویب قانون تشکیل دادگاه اطفال و اطفال بزهکار، تأسیس شد. در سال های بعد، قانون های اصلاح و تربیت با امکانات محدود نیز در مشهد و اهواز تأسیس شدند. حداقل سنی که کودک مسئول اعمال خود است و می تواند در دادگاه محاکمه شود، در کشورهای مختلف متفاوت است. به عنوان مثال، در ایالات متحده ۷ سال، در اسرائیل ۹ سال، در انگلستان ۱۰ سال، در

دارای سه بخش است: ۱-بخش بازداشت موقت ۲- بخش اصلاح و تربیت ۳- زندان

هر یک از بخش‌های مذکور از یکدیگر مجزا هستند و در هر بخش، کودکان و نوجوانان بر اساس سن، مطابق تبصره ذیل ماده ۱۳ قانون دادگاه اطفال و نوجوانان، سابقه کیفری و در صورت امکان، نوع جرم و میزان تربیت‌پذیری طبقه‌بندی می‌شوند. علاوه بر این، بخشی که دختران در آن نگهداری می‌شوند از پسران جدا است. بدین ترتیب، کودکان و نوجوانان در کانون در سه گروه دختران، گروه ویژه (پسران زیر ۱۴ سال)، گروه سایر و پسران ۱۸- ۱۴ سال قرار می‌گیرند (Na'mati Rezaei, 2006).

تمام اقدامات و برنامه‌های اجرایی کانون اصلاح و تربیت در جهت رشد و تعالی شخصیت، روح و جسم مددجویان سازماندهی می‌شود تا از طریق این گذار، بتوانند در پرورش نوجوانانی هنجارمند و قانون‌مدار تلاش کنند و از ارتکاب مجدد جرم توسط آن‌ها جلوگیری نمایند؛ بدیهی است که همه این جایگاه‌ها در چارچوب پیشگیری توسعه‌محور معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که کانون اصلاح و تربیت، تحت تأثیر آموزه‌های پیشگیری توسعه‌محور، مشکلات فردی، خانوادگی و تحصیلی مددجویان را هدف قرار داده و برنامه‌های حمایتی خود را بر حل آن‌ها متمرکز کرده است. همچنین، قوانین بین‌المللی موجود در این زمینه بر این موارد تأکید دارند؛ بنابراین، کانون اصلاح و تربیت، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول پاسخگویی به نوجوانان معارض قانون، مجری اهداف توسعه‌محور نظام عدالت کیفری اطفال است؛ زیرا بنیان نظام مذکور که هدف اصلی و اولیه خود را حمایت و تربیت کودکان و نوجوانان معارض قانون می‌داند، برگرفته از آموزه‌های پیشگیری توسعه‌محور است و جز در این حوزه، توجیهی برای تشکیل نظام قضایی افتراقی متناسب با کودکان و نوجوانان نمی‌توان یافت (Sabouri-Pour & Hagbin, 2023). بنابراین، توجه به تمامی نیازهای جسمی،

یونان ۱۲ سال، در فرانسه و لهستان ۱۳ سال، در اتریش، بلژیک، جمهوری چک و اسلواکی ۱۴ سال و در ایران ۱۶ سال است (۷). مجازات‌های مقرر در قانون و نحوه اعمال آن‌ها نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در گذشته، طبقه‌بندی پیشینه بزهکاران نشان می‌داد که این کودکان در شرایط زندگی نامناسبی بزرگ شده‌اند. اما بخش دوم گزارش سازمان ملل متحد تغییر چشمگیری را در این روند نشان می‌دهد، زیرا دیگر نمی‌توان گفت که بزهکاری نوجوانان محدود به یک گروه اجتماعی-اقتصادی خاص است. شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد کودکان با داشتن پول زیاد از طریق اخاذی، بزهکار می‌شوند. در فرانسه، این اصطلاح از عبارت *Jackets of Gold* گرفته شده است که به مجرمان خانواده‌های ثروتمندتر اشاره دارد (Mahdavi, 2011).

- کانون اصلاح و تربیت

کانون اصلاح و تربیت مکانی است که نوجوانان به دلیل ارتکاب جرم در آن نگهداری می‌شوند. کانون اصلاح و تربیت، مرکزی برای نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب نوجوانان و جوانان بزهکار یا بزهکارانی است که کمتر از ۱۸ سال سن دارند. هدف قانونگذار از تفکیک و جداسازی این گونه بزهکاران، توجه به واقعیت‌های ملموس در جوامع شهری و تنگناهای ایجاد شده در زندگی افراد جامعه، به ویژه کودکان و نوجوانان است که اغلب ناشی از سوءاستفاده از ناآگاهی و عدم آگاهی این گروه از قوانین و مقررات جاری و رشد فکری و روانی است. کانون اصلاح و تربیت در هر منطقه یک مدیر و برای هر یک از بخش‌های آموزش، بازداشت موقت، اصلاح و تربیت و زندان یک مسئول خواهد داشت و به تعداد کافی پزشک، روانپزشک، روانشناس متخصص، مددکار اجتماعی، مربی، معلم و مربی آموزش حرفه‌ای، کارمند اداری، پزشک عمومی و سرپرستان آموزشی و انضباطی خواهد داشت (Kashfi & Asanlou, 2011). کانون اصلاح و تربیت

روحي، رواني و عاطفي کودکان و نوجوانان کانون که با استفاده از برنامه‌های متنوع و اقدامات اصلاحي مناسب برای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود، اقدامی مثبت است که کاملاً در راستای تربیت، رشد و تعالی همه جانبه آن‌ها بوده و به عبارتی با هدف نظام عدالت کیفری اطفال که همانا جلوگیری از هنجارشکنی مجدد کودکان و نوجوانان در قالب پیشگیری رشدمدار است، همسو می‌باشد. در ماده ۲۱ آیین‌نامه اجرایی کانون، بررسی منظم وضعیت رفتاری کودکان و نوجوانان بزهکار در طول مدت اقامت در کانون اصلاح و تربیت که بر بازآموزی این گروه از بزهکاران در چارچوب نهاد مذکور به منظور جلوگیری از روی آوردن مجدد آن‌ها به بزهکاری تأکید دارد، به کانون اصلاح و تربیت محول شده است. با این حال، با توجه به اینکه نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، با وجود همه اقدامات تربیتی و حمایتی موجود، واکنشی منفی به آزادی است، بی‌توجهی به شرایط سنی و روانی کودکان و نوجوانان و اجرای غیراصولی برنامه‌های کانون یا بی‌توجهی به آموزه‌های جرم‌شناسی و از همه مهم‌تر، بی‌توجهی به مفاهیم پیشگیری توسعه‌محور، نه تنها مؤثر نخواهد بود، بلکه خود به عامل خطر مهمی تبدیل می‌شود که منجر به نقض جدی‌تر قانون و ارتکاب جرایم سنگین‌تر و شدیدتر توسط کودکان و نوجوانان خواهد شد.

- مددکاری

مددکاری حرفه‌ای مبتنی بر دانش، اصول، ارزش‌ها، مهارت‌ها و روش‌هایی است که هدف آن کمک به افراد، گروه‌ها و جامعه است تا بتوانند با تکیه بر توانایی‌های خود و استفاده از منابع موجود، مشکلات یا نیازهای خود را حل کنند، به استقلال نسبی و رضایت خاطر برسند و سپس بتوانند مؤثر واقع شوند. مددکاری فردی یکی از روش‌های مددکاری اجتماعی است که سعی دارد از طریق یک رابطه دو طرفه، پتانسیل استعدادها و توانایی‌های مددجو را کشف و آشکار کند. این توانایی‌ها باید به گونه‌ای توسعه و تقویت شوند که بتوانند با استفاده از امکانات و منابع موجود خود به نیازهای

خود پاسخ دهند و نه تنها با حل مشکلات و مسائل خود، سازگاری بهتری با محیط پیدا کنند، بلکه در صورت لزوم و امکان، شرایط را به نفع خود و جامعه تغییر دهند تا از زندگی مرفه‌تری برخوردار شوند (Khosroshahi, 2011). مددکاری حرفه‌ای بسیار حساس و مهم در رابطه با افراد جامعه و نیازمندان است. بنابراین مددکاری از آن جهت اهمیت دارد که با زندگی و مشکلاتی سروکار دارد که مانع از ادامه زندگی عادی فرد یا افراد شده است. بنابراین اگر این مددکار که با این مشکلات حساس مردم در تماس است، دانش و آگاهی کافی در این زمینه نداشته باشد، نه تنها ممکن است برای مردم مفید نباشد، بلکه حتی با انجام کارهایی که از روی احساسات و عدم آگاهی انجام می‌شود، مشکلات را چندین برابر بدتر کند. در هر دو حالت، به آن مددکاری می‌گویند، اما تفاوت از زمین تا آسمان است. مددکاری حرفه‌ای بسیار ظریف است که عشق به مردم را می‌طلبد. مددکاری یکی از معدود حرفه‌ها یا به عبارت دیگر، حرفه‌ای است که با اسرار و رموز مردم سروکار دارد. اسراری که می‌تواند برای یک فرد همه چیز باشد و اگر مددکاری از روی ناآگاهی یا عدم پابندی به اصول و ارزش‌های حرفه خود، پنهان‌کاری از بیگانگان را تحمل کند، مددکاری و ارزش آن زیر سوال می‌رود. مددکاری، همانطور که از نامش پیداست، کمک به نیازمندان است. کمک کردن بدون انتظار پاداش یا حتی قدردانی از مددجو. کمک کردن از روی عشق به مردم و همنوعان. یک مددکار زمانی در کارش موفق خواهد بود که خدمتش را از روی عشق و علاقه ارائه دهد و تنها در این صورت است که هرگز در کارش احساس خستگی نخواهد کرد. مددکاری شغل بسیار ارزشمندی است، ارزشمند به این دلیل که هدف آن خدمت به مردم است، خدمت به کسانی که به دلایلی نتوانسته‌اند حقوق خود را در جامعه دریافت کنند، خدمت به کسانی که به نوعی حقوقشان ضایع و نابود شده است. خدمت مددکار مانند اکثر کارمندان اداری نیست که پشت میز بنشینند و فقط برگه‌ها را امضا

- بررسی ساختارهای اقتصادی که مشکلاتی را ایجاد کرده‌اند و باعث شکاف طبقاتی اجتماعی شده‌اند و بسیاری از افراد را در معرض نابرابری و تبعیض قرار داده‌اند و تلاش برای تغییر و اصلاح این ساختارها

- بررسی ساختارهای نامناسب اجتماعی، به ویژه نامناسب بودن محیط زندگی افراد و آسیب‌زا بودن شرایط زندگی افراد با توجه به مشکلات زندگی در شهرهای بزرگ، و تلاش برای اصلاح این ساختارها و محیط اجتماعی.

- بررسی ساختارهای تبعیض‌آمیز در جامعه‌ای که بسیاری از افراد را در معرض انواع تبعیض نژادی، قومی و فرهنگی قرار می‌دهد و نتیجه آن می‌تواند تبدیل شدن کودکان به کودکان خیابانی باشد. با این حال، مددکاران اجتماعی به طور مستقیم خدمات خود را در دو سطح به کودکان خیابانی ارائه می‌دهند. بنابراین، در سطح اول، مددکار اجتماعی با شناخت و تحلیل عوامل مؤثر بر زندگی کودکان خیابانی، شهر یا استانی را که در آن خدمات ارائه می‌دهند، برای پیشگیری از کودکان خیابانی برنامه‌ریزی می‌کند. اجرای این برنامه‌ها صرفاً با مشارکت مددکار اجتماعی نیست، بلکه می‌تواند با همکاری آموزش و پرورش، صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهادهای مرتبط نیز انجام شود.

- نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری ثانویه

از آنجایی که رها کردن این کودکان و صرفاً تمرکز بر پیشگیری اولیه کافی نیست، مددکاران اجتماعی سه مرحله فعالیت را برای حمایت از آن‌ها انجام می‌دهند (Na'mati Rezaei, 2006):

مرحله شناسایی و جذب: مددکاران اجتماعی می‌توانند گروه‌های سیار تشکیل دهند و این کودکان را در خیابان شناسایی کنند و در صورت امکان، برای بازگرداندن آن‌ها به خانه اقدام کنند؛ در غیر این صورت، آن‌ها را به نهادهای مربوطه هدایت کنند. جمع‌آوری این کودکان از طریق پلیس یا شهرداری مطلوب نیست، زیرا نمی‌توان آن‌ها را با زور سازماندهی کرد. البته گاهی اوقات ممکن

کنند، بلکه یک شغل مددکاری پویا است که کارش از لحظه آشنایی با مددجو آغاز می‌شود و تا حل آن تا حد امکان ادامه می‌یابد. مددکار در حل مشکلات مددجو با او مشارکت می‌کند و سعی می‌کند به مددجو کمک کند تا در فرآیند حل مشکلش به بالاترین سطح خوداتکایی برسد تا جایی که دیگر نیازی به مددکار به عنوان همراه در حل مشکلاتش نداشته باشد. «مددکاری اجتماعی یک حرفه مبتنی بر عمل و یک رشته دانشگاهی است که توسعه و تغییر اجتماعی، انسجام اجتماعی و توانمندسازی و آزادسازی افراد را ترویج می‌دهد. اصول عدالت اجتماعی، حقوق بشر، مسئولیت جمعی و احترام به تنوع، محور اصلی مددکاری اجتماعی هستند. مددکاری اجتماعی با تکیه بر نظریه‌های مددکاری اجتماعی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و دانش بومی، افراد و ساختارها را در پرداختن به چالش‌های زندگی و ارتقای رفاه درگیر می‌کند (۱۵)». پرلن ضمن اعتقاد به اینکه مددکاری اجتماعی یک پدیده زنده است و بنابراین نمی‌توان آن را به یک تعریف ساده محدود کرد، این تعریف را ارائه می‌دهد: «مددکاری اجتماعی فعالیت و روشی است که برخی از مؤسسات رفاهی به مراجعین خود ارائه می‌دهند و به آن‌ها کمک می‌کنند تا با مشکلاتی که در انجام وظایف کاری و اجتماعی خود با آن مواجه شده‌اند، به طور مؤثرتری کنار بیایند» (Farjad, 1984).

نقش مددکار در خصوص اطفال و کودکان بزهکار

- نقش مددکاران اجتماعی در پیشگیری اولیه

مددکاری اجتماعی به طور غیرمستقیم در زمینه پیشگیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی، از جمله پدیده کودکان خیابانی، فعالیت می‌کند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Torkashvand, 2013):

- بررسی ساختارهای قانونی که مشکلات و آسیب‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند و پیگیری تغییرات در قوانین اجتماعی

است همکاری پلیس مورد نیاز باشد، اما این حضور نباید دائمی باشد. هرچه فاصله زمانی بین حضور در خیابان و شناسایی کوتاه‌تر باشد، احتمال جذب کودکان خیابانی بیشتر می‌شود. بنابراین، داشتن یک سیستم جذب فعال و پویا ضروری است.

مرحله تشخیص و جایگزینی کودکان: در این مرحله، مددکاران با همکاری روانشناسان، روانپزشکان، پزشکان و مشاوران حقوقی می‌توانند کودکان را جایگزین کنند که این امر مستلزم اقدامات خاصی از جمله موارد زیر است (Niazpour, 2012):

- بررسی ویژگی‌های زیستی، روانی و اجتماعی کودک با همکاری روانشناس، روانپزشک، مشاور حقوقی، پزشک یا سایر متخصصان؛
- درمان جسمی کودک با همکاری پزشک؛
- پیگیری برای حضانت کودکان با همکاری مشاور حقوقی موسسه و از طریق مراجع قضایی (در صورت لزوم)؛
- اخذ گزارش پزشکی قانونی در صورت لزوم در معاینه فیزیکی کودک

- درمان اختلالات رفتاری با همکاری روانشناس و روانپزشک؛
- درمان اعتیاد و مشکلات مشابه؛
- ارجاع به خانواده یا موسسه مربوطه

– نقش مددکاران اجتماعی در مرحله تحقیق و صدور حکم

مرحله تحقیق و صدور حکم در دادرسی کیفری کودکان قربانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ در این مرحله مشخص می‌شود که سیستم عدالت کیفری تا چه حد توانسته است حقوق و منافع این افراد را تأمین کند. مددکاران اجتماعی می‌توانند با حمایت از کودکان بزه دیده در این مرحله و کمک به قاضی در صدور حکم مناسب در مورد حضانت و سرپرستی این افراد، سیاست توانبخشی و پیشگیریانه سیستم قضایی را اجرا کنند (Javan Jafari, Bojnourdi & Ghatlouei Torghei, 2024).

الف- حمایت از کودکان بزه دیده

کودکان و نوجوانانی که به عنوان بزه دیده وارد سیستم عدالت کیفری می‌شوند، به ویژه آن‌هایی که مجبور به حضور در دادگاه می‌شوند، معمولاً به دلیل عدم توجه به حقوق خود و عدم حمایت‌های مختلف عاطفی، روانی و غیره، آسیب‌های بیشتری را متحمل می‌شوند. این یکی از دلایلی است که بسیاری از کودکان و نوجوانان بزه دیده ترجیح می‌دهند درد و رنج ناشی از بزه دیدگی را تحمل کنند تا اینکه وارد این سیستم شوند، به همین دلیل اجرای برنامه‌های حمایتی ویژه برای این گروه آسیب‌پذیر در مراحل تحقیقات و صدور حکم ضروری به نظر می‌رسد. از جمله مهمترین این برنامه‌ها، آگاه‌سازی آن‌ها در مورد حقوقشان در فرآیند کیفری است. در واقع، برخی از نگرانی‌های کودکان و نوجوانان بزه دیده در مورد حضور در جلسات دادگاه، ناشی از عدم آگاهی آن‌ها از فرآیند عدالت کیفری است. این افراد معمولاً اطلاعاتی در مورد فرآیند عدالت کیفری و جایگاه خود در این فرآیند ندارند و نمی‌دانند که به عنوان قربانی چه اقداماتی باید انجام دهند و چه مقرراتی را باید رعایت کنند. این عدم اطلاع در موردیکی دیگر از برنامه‌های حمایتی مددکار اجتماعی برای اطفال و کودکان و نوجوانان بزه دیده، فراهم آوردن امکان مشارکت غیرحضورى این افراد در جلسات رسیدگی است. علت اجرای این برنامه عدم مواجهه طفل و نوجوان بزه‌دیده با متهم در جلسات رسیدگی در دادگاه است؛ رویارویی مجدد آنان با متهم، موجب یادآوری دوباره جرم می‌شود و فشارهای روانی زیادی را بر کودک و نوجوان وارد می‌سازد، به همین دلیل ماده ۴۱ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، دادگاه را مکلف نموده تدابیر و اقدامات لازم را برای جلوگیری از ورود آسیب به طفل و نوجوان بزه‌دیده مانند فراهم کردن امکان مشارکت آنان در جلسه رسیدگی بدون حضور فیزیکی در دادگاه، اتخاذ نماید (Niazpour, 2012). یکی از روش‌های مناسب برای ایجاد امکان مشارکت غیرحضورى در دادگاه، مصاحبه کی شخص قابل اطمینان (مانند مددکار اجتماعی)

د) واگذاری سرپرستی کودک و نوجوان مطابق مقررات مربوط به سرپرستی کودکان بدون سرپرست

بنابراین، طبق ماده فوق، قاضی دادگاه باید پس از بررسی محیط خانوادگی این افراد در مورد مراقبت از آنها در خانواده یا سپردن این امر به خانواده معتمد (جایگزین) یا انتقال آنها به سازمان بهزیستی و مراکز مربوطه تصمیم‌گیری کند (Barati, 2017).

دادگاه از نظر روانی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و غیره، تشکیل پرونده شخصیت و استفاده از نظرات متخصصان این حوزه از جمله مددکاران اجتماعی را الزامی می‌داند. مددکار اجتماعی ابتدا باید تلاش کند تا از جدایی کودک و نوجوان قربانی از خانواده جلوگیری کند، زیرا جدایی از خانواده اثرات جبران‌ناپذیر روانی و اجتماعی دارد. بنابراین، اگر مددکار اجتماعی تشخیص دهد که می‌توان با ارجاع خانواده به مراکز حمایتی مربوطه (مانند کمیته امداد، بهزیستی و غیره) و اجرای برنامه‌های درمانی و آموزشی لازم، محیطی سالم برای تربیت این افراد آماده کرد، باید اقدامات لازم را انجام دهد. اگر به هر دلیلی محیط خانواده و والدین شرایط لازم را برای حضانت و سرپرستی کودک و نوجوان فراهم نکند، سپردن آنها به خانواده جایگزین مد نظر قرار می‌گیرد. در واقع، اهمیت خانواده در روند رشد بهینه کودکان و نوجوانان باعث شده است که حتی در مواردی که رفع شرایط خطرناک برای آنها مستلزم جدایی این افراد از خانواده اصلی است؛ راهکار حمایتی بعدی مبتنی بر تلاش برای قرار دادن آنها در محیطی مشابه خانواده اصلی است. در انتخاب خانواده مذکور، علاوه بر اطمینان از صلاحیت آنها برای نگهداری از کودک و نوجوان از نظر نیازهای مادی و معنوی، باید به نزدیکی شرایط خانواده مذکور با شرایط و ویژگی‌های کودک و نوجوان بزه دیده نیز توجه شود. به عنوان مثال، کودکی که در یک خانواده بزه‌کار اما مرفه در شهر بزرگ شده است، حتی اگر صلاحیت داشته باشد، نمی‌توان آن را به یک خانواده روستایی سپرد. همچنین، رضایت و مشارکت

با طفل و نوجوان بزه دیده قبل از جلسه رسیدگی و انتقال عقاید و نظرات وی به دادگاه است؛ استفاده از این روش، در بعضی از کشورها مانند کانادا و ایالات متحده آمریکا مورد استقبال واقع شده است. بدین ترتیب، بدون اینکه کودک و نوجوان بزه‌دیده در جلسات رسیدگی حضور داشته باشد، بیانات و اظهارات وی، توسط فردی آموزش دیده مانند مددکار اجتماعی در دادگاه مطرح می‌شود و نیازی به رویارویی مستقیم او با متهم نیست و از طرفی کودک و نوجوان توانسته است از حق مشارکت در دادرسی بهره‌مند شود؛ متأسفانه در لایحه مذکور به اهمیت نقش مددکار اجتماعی و اقداماتی که می‌تواند در زمینه فراهم آوردن امکان مشارکت غیرحضوری انجام دهد، توجه نشده است (Niazpour, 2012).

ب- صدور حکم سرپرستی و حضانت اطفال و کودکان و نوجوانان بزه دیده

یکی از موارد مهمی که دادگاه می‌تواند همزمان با صدور حکم در خصوص مرتکب جرم اظهار نظر کند، حضانت و سرپرستی کودک و نوجوان بزه دیده است. ماده ۴۶ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در این زمینه بیان می‌کند: دادگاه رسیدگی‌کننده به جرایم موضوع این قانون می‌تواند ضمن صدور حکم محکومیت، حسب مورد یک یا چند مورد از تصمیمات زیر را اتخاذ کند (Javan Jafari Bojnourdi & Ghatlouei Torghei, 2024):

الف) معرفی کودک و نوجوان یا خانواده او به سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که در زمینه کمک به افراد و خانواده‌های بی‌بضاعت مسئول یا فعال هستند.

ب) سلب حق ملاقات، حضانت، سرپرستی، قیمومیت، وصایت و سرپرستی از کودک و نوجوان

ج) انتقال موقت یا دائم کودک و نوجوان به سازمان بهزیستی یا مراکز مربوطه

نظام قضایی در جرایمی که بزه دیده کودک یا نوجوان است، دو هدف اصلی را دنبال می‌کند:

درمان و اصلاح مجرم؛ ترمیم آثار بزه دیدگی و جلوگیری از تکرار بزه دیدگی کودک و نوجوان. این امر در جرایمی که مرتکب آن والدین کودک هستند، از اهمیت بالایی برخوردار است و از آنجا که «خشونت خانگی» مانند این جرایم، نوجوان است، دادگاه‌ها اغلب برای جلوگیری از قطع رابطه کودک با خانواده و والدین، به مجازات‌های اجتماعی یا معافیت از صدور حکم با اجرای دستورات اصلاحی-درمانی توجه بیشتری می‌کنند (Javan, Jafari Bojnourdi & Ghatlouei Torghei, 2024).

شایان ذکر است که اگر پس از صدور حکم یا دستورات تأمینی، قرار باشد مجرم بدون نظارت بر اجرای دستورات و تدابیر صادره از سوی دادگاه در رابطه با این احکام و دستورات، به محیط خانه و جامعه بازگردد، نه تنها هدف اصلاح و بازپروری مجرم محقق نخواهد شد، بلکه به راهی برای فرار او از مجازات تبدیل شده و خطر بزه دیدگی کودک و نوجوان را افزایش می‌دهد. در همین راستا، ماده ۴۷ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، مددکاران اجتماعی سازمان بهزیستی را موظف می‌کند تا بر نتایج اقدامات و دستورات صادره نظارت کرده و اجرای صحیح و مناسب آن‌ها را پیگیری کنند. در انجام این وظیفه، مددکاران اجتماعی باید بر مجرم نظارت داشته باشند و مشارکت او را در اجرای دستورات تأمینی و اجرای صحیح و دقیق احکام دادگاه جلب کنند و زمینه اصلاح و سازگاری او را در جامعه فراهم سازند. آن‌ها همچنین باید مشاوره‌های لازم را به والدین و کودک و نوجوان بزه دیده در مورد نحوه اجرای این دستورات و احکام ارائه دهند و در صورت عدم انجام وظایف خود در جبران آثار بزه دیدگی کودک و نوجوان، موضوع را به دادگاه ارائه دهند. هرگاه مرتکب در تبصره ۲ ماده ۴۵ لایحه فوق‌الذکر در این خصوص اظهار کند که ضمن دستور تعویق صدور حکم یا تعلیق تعقیب پرونده، از اجرای دستورات

خانواده کودک و نوجوان بزه دیده و خود بزه دیده برای اجرای این روش ضروری است، زیرا در صورت عدم رضایت آن‌ها، اجرا و دستیابی به اهداف روش فوق با مشکل مواجه خواهد شد. در صورتی که کودک و نوجوان را نتوان به خانواده اصلی خود بازگرداند یا در خانواده جایگزین قرار داد، سازمان بهزیستی مسئولیت سرپرستی این افراد را بر عهده خواهد داشت. طبق (دستورالعمل تخصصی مراقبت و رشد کودکان تحت نظارت بهزیستی، ۱۳۸۸)، کودکان و نوجوانان تا سن ۱۸ سالگی به صورت دائم یا موقت، در مکانی به نام خانه کودک و نوجوان تحت سرپرستی این سازمان قرار می‌گیرند. در این مکان، مددکاران اجتماعی با همکاری سایر متخصصان از جمله روانشناسان، با ارائه آموزش‌ها و خدمات لازم، محیط مناسب را برای رشد و شکوفایی این افراد فراهم می‌کنند (Niazpour, 2012).

– نقش مددکار در مرحله پسا کیفری (اتمام محکومیت)

وظیفه نظام عدالت کیفری در قبال حمایت از اطفال و کودکان و نوجوانان بزه

دیده با تعیین مجازات بزه‌کار، به پایان نمی‌رسد. در واقع زمانی احکام حمایتی دادگاه موجبات پیشگیری را از بزه دیدگی مجدد کودک و نوجوان فراهم می‌کند که بر اجرای آنان نظارت صورت پذیرد تا به درستی انجام شود، همچنین پیگیری وضعیت این افراد بعد از اجرای احکام نیز از دیگر تمهیدات لازم برای تحقق هدف مذکور می‌باشد. به همین دلیل نظام کیفری اغلب کشورها برای نظارت بر اجرای صحیح مجازات‌ها و پیگیری وضعیت بزه‌کار یا بزه‌دیده پس از اجرای حکم، از متخصصان علوم اجتماعی، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و... استفاده می‌کنند (Bagheri, 2018).

الف- نظارت بر اجرای اقدامات و تصمیمات صادره همزمان با

محکومیت برای جلوگیری از بزه دیدگی ثانویه

است که فعالیت‌های مددکاری اجتماعی تا رفع کامل خطر ادامه یابد. به همین منظور، یکی از مراحل مهم در حرفه مددکاری اجتماعی، مرحله پیگیری وضعیت مددجو پس از رفع مشکل است. اصل حاکم در حوزه پیگیری این است که تا زمانی که افراد به استقلال نسبی نرسیده‌اند، پیگیری باید انجام شود، اما پیگیری نباید منجر به وابستگی شود. پیگیری باید در اسرع وقت پس از رفع مشکل آغاز شود، اما با گذشت زمان، می‌توان فاصله بین مراجعات پیگیری را افزایش داد. البته عواملی مانند شدت و عمق مشکل و تأثیر برنامه‌های اجرا شده بر فرآیند حل مسئله نیز در این امر تأثیر دارند (Mansouri, 2007). وضعیت مددجو (کودک و قربانیان

کودک و نوجوان) به یکی از روش‌های زیر رصد می‌شود:

۱-مراجعه حضوری، شامل مراجعه حضوری مددکار اجتماعی از طریق بازدید از منزل، مدرسه و غیره کودک و نوجوان قربانی، یا مراجعه حضوری کودک یا نوجوان قربانی یا یکی از اعضای خانواده او به محل کار مددکار اجتماعی.

۲-تماس تلفنی بین مددکار اجتماعی و مددجو (کودک یا نوجوان قربانی) و خانواده یا برعکس.

-مکاتبه بین مددکار اجتماعی و مددجو (کودک یا نوجوان قربانی)، که در این صورت مددکار اجتماعی باید مطمئن شود که نامه به مددجو خواهد رسید و ارسال آن مشکلی برای مددجو ایجاد نخواهد کرد، به خصوص زمانی که مددجو علاقه‌ای به مطرح کردن مشکل خود با خانواده ندارد (Mousavi Chelak, 2009).

اگر مددکار اجتماعی در طول دوره پیگیری از هرگونه مشکلی با مددجو یا خانواده او مطلع شود، باید فوراً برای حل مشکل مداخله کند یا در صورت لزوم آن‌ها را به نهادهای مربوطه ارجاع دهد. بنابراین، لازم است سیستم قضایی ترتیبی فراهم کند تا مددکار اجتماعی بتواند پس از اتمام مراحل پیگیری، بر کودکان و نوجوانان بزه دیده نظارت داشته باشد و پس از اجرای حکم، شرایط و

صادر خودداری می‌کند، دادگاه رأساً یا به درخواست دادستان دستور صادره را لغو و تصمیم مقتضی را صادر می‌کند. البته آگاهی دادگاه از این موضوع مستلزم گزارش مددکاران اجتماعی است. طبق ماده ۴۲ لایحه فوق‌الذکر، مددکار اجتماعی می‌تواند در چنین مواردی پیشنهادات حمایتی لازم را در گزارش خود به دادگاه ارائه دهد. در ماده ۴۴ پیش‌نویس اولیه لایحه فوق‌الذکر، واحد حمایت از کودکان و نوجوانان که متشکل از یک مددکار اجتماعی بود، می‌توانست در مواردی که مرتکب از اجرای دستورات حمایتی خودداری می‌کند، رأساً از دادگاه درخواست لغو دستور را داشته باشد؛ متأسفانه این بخش از ماده در لایحه نهایی حمایت از کودکان و نوجوانان حذف شده است، بنابراین کار مددکار اجتماعی به نظارت بر احکام و دستورات و گزارش اجرای آن‌ها محدود شده است. علاوه بر موارد فوق، طبق ماده ۴۸ لایحه ۳ مذکور، در مواردی که دادگاه در مورد حضانت و سرپرستی کودک یا نوجوان تصمیم می‌گیرد، در صورتی که گزارش مددکار اجتماعی حاکی از تغییراتی در وضعیت کودک یا نوجوان، والدین، سرپرستان یا قیم قانونی باشد، می‌تواند در تصمیمات خود (مبنی بر بازگشت کودک یا نوجوان به خانواده یا جدایی از خانواده) تجدیدنظر کرده و تصمیمی متناسب با شرایط جدید کودک یا نوجوان و خانواده او اتخاذ کند. بنابراین، مددکار اجتماعی مسئولیت نظارت بر احکام مربوط به سرپرستی و حضانت را نیز بر عهده دارد (Barati, 2017).

ب- پیگیری وضعیت اطفال و کودکان و نوجوانان بزه‌دیده پس

از اجرای حکم

هدف از فرآیند مددکاری اجتماعی، توانمندسازی کودکان و نوجوانانی است که قربانی شده‌اند تا بتوانند به استقلال نسبی دست یابند و زندگی خود را کنترل کنند. در برخی موارد، به دلیل عمق مشکلات کودک و نوجوان، این فرآیند بسیار طولانی و کند خواهد بود و ترمیم اثرات بزه دیدگی و جلوگیری از تکرار آن مستلزم آن

وضعیت آن‌ها را پیگیری کند و تا زمان اتمام مراحل مددکاری اجتماعی، حمایت‌های لازم را ارائه دهد. به همین منظور، ماده ۵ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان تصریح می‌کند که پیگیری و نظارت بر وضعیت کودکان و نوجوانان بزه دیده یا در قانون بر خطر آسیب پس از اجرای حکم و ارزیابی اقدامات انجام شده، به عنوان یکی از وظایف دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان تأکید شده است. طبق ماده لایحه مذکور، مددکاران اجتماعی می‌توانند در انجام این وظیفه از سازمان‌ها و نهادهای دیگری مانند سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و غیره کمک بگیرند. پیگیری وضعیت کودکان و نوجوانان بزه دیده پس از اجرای حکم منجر به این خواهد شد که اگر اقدامات و دستورات حمایتی دادگاه برای بازگشت بزه دیده به زندگی عادی کافی نباشد یا وضعیت خطرناک جدیدی او را تهدید کند، اقدامات حمایتی فوری مانند دور کردن بزه دیده از محیط خطرناک، معرفی او به مراکز مشاوره و روان درمانی برای تکمیل فرآیند درمان و ترمیم آثار بزه دیدگی و غیره، از آسیب‌های جدید به کودکان و نوجوانان و ورود مجدد آن‌ها به چرخه عدالت جلوگیری خواهد کرد (Mir Mohammad Sadeghi, 2003).

۲-۳- نقش مددکار در خصوص اطفال و کودکان بزه دیده

مددکاران اجتماعی می‌توانند وقوع بسیاری از بحران‌ها را شناسایی و پیش‌بینی کرده و از وقوع آن‌ها جلوگیری کنند و در واقع، پیگیری، هزینه‌ها را به طور فزاینده و قابل توجهی کاهش می‌دهد. با این حال، پیگیری را می‌توان از دو دیدگاه نیز بررسی کرد: دیدگاه موقعیت‌محور و دیدگاه فردمحور. در دیدگاه موقعیت‌محور، تلاش‌های مددکاران بر کاهش علل محیطی و موقعیتی رفتار ناسازگار متمرکز است و در دیدگاه فردمحور، تأکید بر توانایی‌های فرد برای مقابله با شرایطی است که ممکن است منجر به رفتار ناسازگار شود. مقاله حاضر با رویکرد نقش مددکاران اجتماعی و مداخلات آن‌ها برای مراجعین در پیگیری از

زمینه‌های ارتکاب جرم در دوران کودکی و نوجوانی و به ویژه در بزرگسالان دارای سابقه جرم (Hosseinzadeh & Mirzaei, 2012) سازماندهی شده است. مددکاری اجتماعی روشی برای پیشگیری از جرم است که فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را که در ارتکاب جرم نقش دارند، شناسایی می‌کند. این روش پلی بین اقدامات قانونی و قضایی و بهبود وضعیت اجتماعی افراد و خانواده‌ها است. مطالعات متعدد نشان داده است که عوامل خطر برای ارتکاب جرم تنها عواملی مانند فقر، نابرابری جنسیتی، خشونت در رسانه‌ها، نژاد و تبعیض نژادی نیستند و حل این مشکلات تنها بخشی از پیشگیری از جرم است. بخش دیگری شامل موارد زیر است: - شرایط نامساعد مسکن، محله‌های فقیرنشین و عدم اثبات محل سکونت - عوامل خانوادگی مانند اندازه خانواده، والدین نامناسب، جرم والدین و مصرف مواد توسط والدین - عوامل شخصیتی و رفتاری فردی مانند نقص‌های شناختی و ناتوانی در حل مشکلات، کنترل رفتار، قضاوت منطقی و همچنین ناتوانی در ارزیابی پیامدهای رفتار و سایر رفتارهایی که مقدمه رفتارهای پرخطرانه هستند. - روابط با دوستانی که زندگی آن‌ها با ارتکاب جرم همراه است. - عوامل مرتبط با مدرسه مانند شکست تحصیلی و محیط مدرسه و اخراج از مدرسه. - فرصت‌های شغلی مانند آموزش مهارت و اشتغال (Khosroshahi, 2011). رویکردهای مختلفی برای پیشگیری از جرم از طریق حمایت وجود دارد. به عنوان مثال، رویکردهای سطح فردی که بر مشکلاتی تمرکز دارند که ممکن است فرد را در معرض خطر شرکت در جرم قرار دهد. هدف این برنامه‌ها می‌تواند کودکان یا جوانان باشد. برنامه‌هایی که فرد را به عنوان هسته مرکزی مداخله در بحران قرار می‌دهند و او را با خدمات حمایتی متعدد احاطه می‌کنند. رویکردهای دیگر شامل رویکردهای سطح خانواده است که در آن والدین دارای فرزند، به ویژه کودکان در معرض خطر ارتکاب جرم، تحت برنامه‌های

حمایتی و آموزشی قرار می‌گیرند و ظرفیت خانواده را برای ایجاد محیطی سالم و پاک که در آن کودکان رشد می‌کنند، گسترش می‌دهند. همچنین باید به رویکردهای سطح جامعه اشاره کرد که به دنبال گسترش ظرفیت جامعه برای پیشگیری از جرم هستند. این رویکردها شامل همکاری و مشارکت و کمک به ایجاد ارتباط بین افراد، مانند مشاوره بین پلیس و جوانان و برنامه‌هایی است که در آن افراد مسن سنت‌ها، ارزش‌ها و تجربیات خود را با جوانان به اشتراک می‌گذارند (Shariat, 2004). برنامه‌هایی که فرصت‌هایی را برای سرگرمی اجتماعی یا ابراز توانایی‌های فرهنگی فراهم می‌کنند. با این حال، نهادهای مختلف فعالیت‌های مختلفی را برای پیشگیری از جرم انجام داده‌اند. جرم بر فرد، خانواده و جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. بیکاری، ناتوانی در برآوردن نیازهای خانواده و پتانسیل خود فرد برای ارتکاب جرم، مستلزم اقداماتی است که نیازهای هر سه طبقه افراد، خانواده‌ها و جامعه را برآورده کند. این اقدامات را می‌توان در سه مرحله انجام داد: مرحله اول: جلوگیری از وقوع شرایط و رفتارهایی که جرم را افزایش می‌دهند. مرحله دوم: جلوگیری از افزایش و تقویت شرایط فوق‌الذکر. مرحله سوم: بررسی عوامل مؤثر بر تکرار جرم. مطالعات متعدد نشان می‌دهد کودکان و نوجوانانی که در معرض خطر هستند، احتمال ارتکاب جرم در بزرگسالی بسیار بیشتر است. این عوامل خطر در تربیت کودکان در سال‌های اولیه زندگی‌شان مؤثر است و پایه‌های زندگی آینده آن‌ها را سست می‌کند. بنابراین، اقدامات حمایتی حقوقی در دوران کودکی فرصت بسیار مناسبی برای پیشگیری از معلولیت‌های جسمی و روانی، معلولیت‌های تحصیلی و اجتماعی و رفتارهای مجرمانه است. از وقوع جرم در آینده جلوگیری کنید این اقدامات همچنین بسیار مقرون به صرفه هستند. یک مطالعه اخیر که در ایالات متحده انجام شده است نشان می‌دهد که به ازای هر دلاری که در سال‌های اولیه زندگی یک فرد در اقدامات پیشگیرانه سرمایه‌گذاری می‌شود، وقتی فرد به

بزرگسالی می‌رسد، بین سه تا هفت دلار بازگشت سرمایه وجود دارد. یافته‌های مشابهی نیز در تحقیقات انجام شده در نیوزیلند به دست آمد. ارزیابی برنامه‌هایی در نیوزیلند که شامل بازدید از منزل و ملاقات با کودکان بود، تأثیر بسیار مثبتی بر کودکان و سبک زندگی آن‌ها داشت و مشکلات رفتاری آن‌ها که ناشی از عوامل داخلی و خارجی فرد است، که هر دو منجر به رفتار بزهکارانه می‌شوند، تحت کنترل قرار گرفته‌اند. ایجاد سیستمی برای اقدامات مداخله زودهنگام برای کودکان زیر ۶ سال. اقدامات مداخله‌ای در سال‌های اولیه زندگی می‌تواند نقش مهمی در شناسایی و دستیابی به پتانسیل فرد داشته باشد. برای این منظور، هر خانواده باید به امکاناتی دسترسی داشته باشد که بتواند فرزند خود را به درستی پرورش و آموزش دهد. با این حال، خانواده‌هایی که مستعد ارتکاب جرم هستند باید حداکثر خدمات را دریافت کنند. خدماتی که شرایط پیچیده زندگی کودکان در معرض خطر را در نظر می‌گیرند. برای دستیابی به این هدف، آنچه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، استفاده صحیح از امکانات موجود است. برای مثال، یک دوره نظارت شش ساله برای کمک، مستلزم مؤلفه‌های زیر است: - ایجاد خدمات مستمر مطابق با اصول جامعه، عمومی، هدفمند و جامع برای رفع خلأهای موجود در نحوه ارائه خدمات، به ویژه برای خانواده‌های مستعد ارتکاب جرم. - ارزیابی کودکان در سال‌های اول زندگی؛ این ارزیابی‌ها باید به عنوان فرصت‌هایی برای شناسایی استعدادها و آن‌ها و همچنین بررسی اینکه آیا خدمات لازم را به درستی دریافت می‌کنند یا خیر، انجام شود (Sharif, 2008). برنامه‌های آموزشی و حمایتی برای والدین، مانند آموزش مهارت‌های اساسی زندگی. این آموزش‌ها باید مبتنی بر توانایی والدین در درک و با امکانات پشتیبانی آموزشی مناسب و همچنین کمک به ایجاد نتایج مطلوب در تربیت فرزندان باشد. - افزایش سرمایه‌گذاری در درمان کودکان دارای اختلالات جسمی و روانی؛ با رسیدگی به وضعیت جسمی و روانی این کودکان، از

عواقب جدی رفتارهای ضداجتماعی بعدی آن‌ها که منجر به رفتارهای مجرمانه می‌شود، جلوگیری می‌شود. برای اطمینان از ارائه خدمات مؤثر، باید ارزیابی نیازها انجام شود تا مراکزی مانند مدارس، کارگاه‌ها و مؤسسات فرهنگی برای اکثر خانواده‌های در معرض خطر که اغلب در روابط اجتماعی عادی با مشکل مواجه هستند، ایجاد شود تا با مدیریت یکپارچه به این خانواده‌ها در رشد فرزندان‌شان کمک شود. همچنین باید مراکزی برای تأمین نیازهای خدماتی خانواده‌ها برای کودکان در حال رشد تأسیس شود. تقویت خدمات هماهنگی ملی، منطقه‌ای و محلی از طریق دولت و هماهنگی بین سازمان‌های دولتی و سایر گروه‌های اجتماعی نیز تضمین می‌کند که تصمیم‌گیری تا حد امکان مرتبط و نزدیک به خانواده‌ها باشد. تقویت خانواده‌ها یک مکانیسم کلیدی برای دستیابی به این هدف است. با این حال، باید به گونه‌ای طراحی شود که در یک مسیر سرمایه‌گذاری پایدار که به درستی منعکس کننده ماهیت و خدمات این بخش باشد، مؤثر باشد. نقش عدالت نوجوانان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دادگاه در میان سایر وظایف خود، باید به گونه‌ای عمل کند که از تکرار جرم و جریان زندگی مجرمانه به بزرگسالی جلوگیری کند و در حال حاضر شکاف قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. کار با مجرمان محکوم اغلب گروه کوچکی از مجرمان هستند که درصد زیادی از جرایم را مرتکب می‌شوند و تعداد زیادی از تخت‌های زندان را اشغال می‌کنند. کمک در اولین حوادث جنایی می‌تواند ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز بعدی را کاهش دهد. محکومین با جرایم سنگین و خشونت‌آمیز اساساً سابقه ارتکاب هیچ جرمی در زندگی خود قبل از ارتکاب جرم سنگین خود نداشته‌اند. تاریخچه زندگی چنین افرادی اغلب نامطلوب است و محیط زندگی، پایه‌های عمیق رفتار مجرمانه را در آن‌ها تقویت کرده است. بنابراین، برای رفع نیازهای بهداشتی و اجتماعی، باید از طریق اقدامات هماهنگ و مداخله به موقع و زود هنگام، میزان جرم کاهش یابد. حتی کاهش

اندک در تکرار جرم، این اقدامات را ارزشمند می‌کند. این فعالیت‌ها نه تنها تقاضا برای تخت‌های زندان را کاهش می‌دهند، بلکه از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز تا حد زیادی برای قربانیان، خانواده‌ها و جامعه مفید هستند. البته همیشه باید در نظر داشت که خطر تکرار جرم در مجرمان باتجربه زیاد است، بنابراین باید در توانبخشی از نظارت دقیق و واکنش‌های ملایم استفاده شود. درمان اولیه در چرخه‌ای انجام می‌شود که به تدریج توسعه می‌یابد. پیشگیری از جرم موقعیتی پیشگیری از جرم موقعیتی با جرم‌شناسی معمولی متفاوت است زیرا توجه آن بیشتر بر مکان‌های جرم متمرکز است تا بر افرادی که مرتکب جرم می‌شوند. همچنین بر جلوگیری از وقوع جرم به جای شناسایی و مجازات مجرمان تأکید دارد. این روش که به عنوان SCP (پیشگیری از جرم موقعیتی) شناخته می‌شود، توسط برنامه‌های ارائه شده توسط مقامات محلی در برخی از کشورهای اروپایی پشتیبانی می‌شود و ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز و سرقت را کاهش می‌دهد. این برنامه‌ها می‌توانند آگاهی افراد و جامعه را برای ایجاد امنیت بهبود بخشند. مددکاران اجتماعی باید به سه دلیل به کودکان خیابانی توجه جدی داشته باشند. اول، برای جلوگیری از گرایش آن‌ها به آسیب‌های اجتماعی؛ دوم، خنثی کردن نقش احتمالی آن‌ها در گسترش آسیب‌های اجتماعی؛ و سوم، محافظت از آن‌ها به عنوان سرمایه‌های انسانی کشور. مددکاران اجتماعی نیز به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم به این کودکان خدمات ارائه می‌دهند (Sharif Zari, 2008).

۴- بررسی مواد قانون جدید در خصوص مددکاران

در این قانون که در حال حاضر مبنای صدور احکام توسط قضات در کشور است، هفت بار کلمه مددکار اجتماعی در متن قانون ذکر شده است. در فصول پنجم، نهم و دهم که قانونگذار به مباحث و مواد مربوط به تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای اطفال و نوجوانان پرداخته است، به روشنی به استفاده از مددکاران اجتماعی و ظرفیت

اجتماعی و خانوادگی زندانیان دارد (Mir Mohammad, 2003).

ماده ۶۴ مجازات‌های جایگزین حبس را اینگونه تعریف می‌کند: دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جریمه روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف، با توجه به نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود. ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی به نقش مددکاران اجتماعی در صدور احکام مجازات جایگزین می‌پردازد. این ماده بیان می‌کند که قاضی اجرای احکام می‌تواند با در نظر گرفتن وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، به دادگاه صادرکننده حکم، شدت، تخفیف، تخفیف یا تعلیق موقت حکم را پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور نظارت در اختیار دارد (Mahdavi, 2011).

مددکاران اجتماعی شاغل در این بخش، علاوه بر تسلط بر مددکاری فردی و فنون آن، باید با منابع اجتماعی که می‌توانند به عنوان جایگزین حبس در اختیار سیستم قضایی قرار گیرند، آشنا باشند. مددکاران اجتماعی همواره نقش مهم و مؤثری در اصلاح و تربیت کودکان و نوجوانان معارض قانون ایفا کرده‌اند و اگرچه قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۸ مستقیماً به مددکاری اجتماعی اشاره نکرده بود، اما با تشکیل کانون‌های اصلاح و تربیت و تدوین آیین‌نامه آن، مددکاری اجتماعی به تدریج جایگاه خود را در ساختارهای سازمانی کانون‌های اصلاح و تربیت پیدا کرد. در فصل دهم قانون مجازات اسلامی که به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی برای کودکان و نوجوانان معارض قانون می‌پردازد، تغییرات و رشد قابل توجهی که در آن منافع عالیه کودکان در نظر گرفته شده است، در این قانون مشاهده می‌شود. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند؛ در مورد اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم مستوجب حبس می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب بین نه تا

مددکاران اجتماعی برای اجرای مفاد این قانون اشاره شده است. ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند که تعویق مراقبت با اقدامات زیر همراه است (Mahdavi, 2011):

الف- حضور به موقع در زمان و مکانی که توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر تعیین می‌شود؛

ب- ارائه اطلاعات و مدارک برای تسهیل نظارت بر اجرای تعهدات محکوم به مددکار اجتماعی؛

ج- اعلام هرگونه تغییر شغل، محل سکونت یا جابجایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارش آن به مددکار اجتماعی.

لازم به ذکر است که تعویق صدور حکم مربوط به جرایمی است که پس از احراز مجرمیت متهم، با توجه به وضعیت شخصی و خانوادگی، سوابق، شرایط و غیره، صدور حکم برای او به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق می‌افتد. البته صدور این نوع حکم شرایط خاصی مانند فقدان سابقه کیفری مؤثر، جبران ضرر و زیان، پیش‌بینی اصلاح مجرم و غیره دارد.

باز هم، ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی در این زمینه بیان می‌کند که پس از گذشت مدت تعویق، دادگاه با در نظر گرفتن میزان پایبندی مجرم به دستورات دادگاه، گزارش‌های مددکار اجتماعی و همچنین با توجه به وضعیت مجرم، حسب مورد مجازات را تعیین یا حکم معافیت از مجازات را صادر می‌کند. همانطور که در قوانین مربوط به مواد تعویق مراقبتی مشاهده می‌شود، دادگاه جایگاه ویژه‌ای برای نظر کارشناسی مددکار اجتماعی قائل شده است و مددکاران اجتماعی در این جایگاه باید نظرات کارشناسی خود را در مورد افراد با رویکردهای تخصصی و حرفه‌ای به دادگاه‌ها ارائه دهند.

فصل نهم قانون مجازات اسلامی جدید به بحث مجازات‌های جایگزین حبس می‌پردازد و اجرای مواد این بخش تأثیر زیادی در کاهش جمعیت زندان‌ها و در نتیجه کاهش آسیب‌های روانی-

پانزده سال تمام است، حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات مانند «تحويل به والدین یا قیم یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد مبنی بر تأدیب، تربیت و مراقبت از اخلاق حسنه طفل و نوجوان» را اتخاذ می‌کند. همچنین در تبصره ۳ ماده ۸۸ آمده است که دادگاه اطفال و کودکان و نوجوانان می‌تواند با توجه تحقیقات بعمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضا کند در تصمیم خود تجدید نظر نماید. رویکرد نوین قوه قضایه به استفاده از مددکاران اجتماعی و ظرفیت حرفه‌ی مددکاری اجتماعی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و مراکز تامینی و اعتماد به توان تخصصی مددکاران اجتماعی در توانبخشی بزه‌کاران افق روشنی در ارائه خدمات جدید در عرصه خدمات اجتماعی می‌باشد. مددکاران اجتماعی و موسسات و نهادهای آموزشی و صنفی این حرفه می‌بایست با برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی از فرصت بوجود آمده در قانون مجازات اسلامی جدید بهره‌گیری نمایند. همچنین ضرورت دارد در سرفصل‌های آموزشی مددکاران اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی بازنگری لازم انجام شود و آموزش متناسب با نیاز مددکاران در دستور کار قرار گیرد. به نظر می‌رسد انجمن مددکاران اجتماعی ایران و انجمن علمی مددکاری در اجرایی شدن این قانون می‌توانند نقش آفرینی کنند و کلینیک‌های تخصصی مددکاری اجتماعی نیز با اقدامی هدفمند و تجهیز خود به دانش روز در حوزه کاری جدید ایفای نقش نمایند.

نتیجه‌گیری

وضعیت خاص آسیب‌پذیر اطفال به لحاظ جسمی و روحی ایجاب می‌نماید که سیاست کیفری خاصی در قبال آن‌ها اتخاذ گردد. توجه به این مورد عمده‌تاً حاصل مطالعات جرم‌شناسی بالینی- که ریشه در مکتب تحقیقی دارد- می‌باشد. از آنجا که کودکان و نوجوانان اغلب به دلیل عدم برخورداری از حمایت‌های لازم و سرپرستی مناسب، بزهکار و یا بزه‌دیده واقع شده‌اند،

حضور افرادی با تخصص‌های غیر قضایی نظیر مددکاران اجتماعی به عنوان بالینی‌ترین مأموران پیرا قضایی در فرآیند کیفری می‌تواند نقش مهمی در بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم اطفال بزهکار، بازتوانی، جلوگیری از تکرار بزه دیدگی و بزه دیدگی ثانویه اطفال بزه‌دیده ایفا نماید. مددکاران اجتماعی با استفاده از آموزه‌های علوم روانشناختی، جامعه‌شناختی و غیره، همچنین رعایت اصول متعدد حرفه‌ای مانند اصل پذیرش و اصل فردیت و ارائه خدمات مختلف به دنبال یاری رساندن به نظام عدالت کیفری می‌باشند. آنان می‌توانند با به‌کارگیری روش‌هایی که در شناخت افراد در اختیار دارند، در ارائه پاسخ‌های متناسب با شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی کودک کمک مؤثری نمایند و همچنین با نظارت بر اجرای احکام تا بازپروری و بازتوانی کامل کودک را همراهی کنند. متأسفانه در ایران سابق بر وضع قانون آیین دادرسی کیفری جدید، به دلیل عدم وجود نظام دادرسی کیفری ویژه اطفال، مددکاران اجتماعی، در چارچوب نظام کیفری، خدمات منسجمی به کودکان بزه‌دیده و بزهکار ارائه نمی‌کردند. که خوشبختانه توجه به این نهاد اجتماعی در قوانین جدید تا حدودی خلاهای موجود را برطرف کرده و در جرایم اطفال و نوجوانان و همچنین در جایی که کودکی بزه‌دیده محسوب می‌گردد، امکان تعامل مددکاران اجتماعی با مقامات قضایی در برخی از مراحل مختلف فرایند کیفری یعنی مرحله پلیسی، دادرسی، صدور و اجرای احکام به رسمیت شناخته شده است. این پدیده پیچیده و رو به گسترش، همواره نیازمند حمایت همه‌جانبه دولت و بخش خصوصی در ابعاد مختلف برای پیشگیری است. آنچه مسلم است کودک آزاری حاصل انبوهی از عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی است و بنابراین پیشگیری از آن نیازمند تلاش‌های همه‌جانبه و جامعه‌محور است. با توجه به ماهیت فرابخشی آسیب‌های اجتماعی، جرایم و انحرافات، هیچ سازمانی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی می‌تواند تمام امور مربوط به پیشگیری از جرم و کنترل

گرفته است و سازمان صدا و سیما به عنوان بزرگترین رسانه جمعی، وظایفی را در راستای رسالت خود در اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودکان و نوجوانان بر عهده دارد. علاوه بر این، این قانون با بازتعریف آسیب‌های کودکان و نوجوانان، بار دیگر مهم‌ترین آسیب‌های پیش روی این گروه را یادآوری می‌کند و در فصل جرایم و مجازات‌ها، برای مقابله با این آسیب‌ها به مجازات روی آورده است. از سوی دیگر، با توجه به مفهوم کودک در اسناد بین‌المللی و عوامل خطر، یعنی عواملی که احتمال گرایش کودک به بزهکاری را در دوران کودکی و نوجوانی و پس از آن افزایش می‌دهند و به سه دسته عوامل خطر فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای تقسیم می‌شوند؛ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان با چالش‌های عملی زیادی روبرو است و اتخاذ راهکارهایی برای مقابله با این چالش‌ها ضروری است.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

This study explores the critical role of psycho-social interventions and social emergency support in preventing crime among delinquent and victimized children within the framework of Iran's new Criminal Procedure Code. As children and adolescents represent the most vital asset and future of any society, their protection and rehabilitation are paramount. In Iranian society, which has a notably young population, childhood plays a significant role in personality formation. Understanding the socio-psychological dimensions of crime prevention in children is essential to addressing the underlying issues contributing to delinquency. The criminal justice system in Iran has, until recently, lacked a comprehensive framework for handling juvenile offenders, particularly in terms of

و کاهش آسیب‌های اجتماعی را بر عهده بگیرد. به همین دلیل، برای دستیابی به هدف والای سلامت اجتماعی که پیشگیری از جرم نیز یکی از اجزای اساسی آن است؛ همه سازمان‌های ذی‌ربط، اعم از دولتی و غیردولتی، که در این حوزه فعال هستند، باید با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند و در این راستا، زمینه مشارکت عمومی بیش از پیش فراهم شود. قوه مقننه به عنوان نهاد اصلی قانونگذاری، نقش اساسی در تدوین راهبردهای پیشگیرانه برای مقابله با پدیده کودک‌آزاری ایفا می‌کند. این نهاد با تبیین جرم و جامعه‌ای که مخاطب آن است، همه نهادهای دخیل در مبارزه با این جرم را به واکنش وادار می‌کند. در همین راستا، قانونگذار با تصویب قانون حمایت در سال ۱۳۹۹ و شناسایی مفهوم کودک، گامی بزرگ در جهت مبارزه با کودک‌آزاری برداشته است. در این قانون، به نهادها و مؤسسات دولتی متعددی پرداخته شده و وظایفی برای آن‌ها تعیین شده است تا اهداف قانون که پیشگیری و مبارزه با کودک‌آزاری است، محقق شود. مددکاری اجتماعی که حرفه‌ای تخصصی است و با بهره‌گیری از دانش تخصصی در پی کمک به گروه‌های هدف خود است، بار دیگر در این قانون مورد تأکید قرار

specialized social work support. The absence of juvenile justice services has resulted in an environment where social workers are not fully integrated into the criminal justice process. Despite these challenges, the recent legal reforms, including the introduction of the "Bill for the Protection of Children and Adolescents," are paving the way for a more child-centered justice system. These reforms recognize the need for social workers to collaborate with judicial authorities, particularly in stages such as investigation and enforcement of sentences, marking a significant shift toward child-appropriate legal processes. The paper discusses how these interventions, particularly through the Reform and Training Centers, can influence crime prevention efforts and improve outcomes for

children involved in the criminal justice system (Sabouri-Pour & Hagbin, 2023).

At the heart of this legal shift is the growing recognition that juvenile offenders require more than just punitive measures—they need rehabilitation and social reintegration. The Reform and Training Centers, as part of the criminal justice system, play a central role in the rehabilitation of young offenders. These centers offer a variety of educational, cultural, and developmental programs aimed at reshaping the personalities of delinquent youth. If these programs are implemented with a developmental and educational approach, they can significantly contribute to the personality reconstruction and reintegration of these individuals. Additionally, psycho-social interventions, such as counseling and therapeutic support, have proven essential in reducing recidivism among delinquent youth. This approach aligns with international standards that emphasize the importance of supporting children and utilizing differential proceedings during criminal processes. The paper underscores the need for psycho-social interventions as a crucial element in preventing crime and supporting the rehabilitation of delinquent youth. By integrating social work practices within the judicial process, the likelihood of successful reintegration into society increases, benefiting both the individuals involved and society at large (Mir Kamali & Hosseini, 2015).

A major challenge in Iran has been the lack of a cohesive juvenile justice system that includes social work interventions as a core component. Social workers, who are trained to understand the complex interplay of psychological, social, and familial factors influencing juvenile behavior, are integral to providing the necessary support at various stages of the criminal process. However, the absence of systematic integration within the justice system means that children often receive insufficient support, which in turn affects their

rehabilitation prospects. By acknowledging the importance of psycho-social interventions, the new Criminal Procedure Code represents a step toward a more holistic approach to juvenile justice. The bill's provisions calling for social worker involvement at every stage of the criminal process, from arrest to the enforcement of sentences, are a clear indication that the Iranian legal system is evolving to meet international standards for protecting children in conflict with the law. This legal shift will not only improve the rehabilitation outcomes for these children but will also contribute to the overall efficacy of the criminal justice system by addressing the root causes of juvenile delinquency through comprehensive psycho-social support (Hosseinzadeh & Mirzaei Aghaei, 2012).

One of the key areas where psycho-social interventions can have a significant impact is in reducing the likelihood of reoffending. Research consistently shows that early intervention in the form of social support and counseling can prevent the development of criminal careers. By providing children with the tools to understand and manage their emotions, as well as offering them stable, supportive environments, the cycle of crime can be disrupted. In the context of the Reform and Training Centers, the focus is on providing not only education but also psychological support to address the emotional and behavioral issues that contribute to delinquency. These centers operate with a developmental focus, emphasizing personal growth, responsibility, and the acquisition of life skills. Such an approach is aligned with international practices, where juvenile justice systems aim to offer rehabilitative, rather than solely punitive, responses to offending. The effectiveness of these interventions is further enhanced when combined with social emergency support, which ensures that children have access to the necessary services outside of institutional settings, such as family

counseling and community outreach programs (Kashfi & Asanlou, 2011).

The implementation of these reforms faces several challenges, not least of which is the need for comprehensive training for social workers within the criminal justice system. In order to effectively intervene in the lives of delinquent and victimized children, social workers must be equipped with both the theoretical knowledge and practical skills required to address the complex nature of juvenile crime. Furthermore, the integration of psycho-social interventions into the legal process requires a coordinated effort between social services, the judiciary, and law enforcement. This coordination is essential to ensure that children receive consistent support throughout their interactions with the criminal justice system. The paper argues that while the legal framework is evolving, much work remains to be done in terms of capacity building, resource allocation, and the development of clear protocols for integrating social work into the criminal justice system. However, the steps taken in the 1401 Penal Code Draft represent a significant beginning towards creating a more supportive and rehabilitative system for juvenile offenders (Niazpour, 2012).

The international community has long emphasized the need for comprehensive child protection laws and practices, particularly in the context of juvenile justice. International conventions, such as the UN Convention on the Rights of the Child, advocate for a differential approach to juvenile delinquency, one that recognizes the unique needs of children and ensures their protection from harmful treatment. These conventions highlight the importance of providing rehabilitative and therapeutic interventions to young offenders, rather than resorting to punitive measures. The introduction of the "Bill for the Protection of Children and Adolescents" in Iran reflects the country's

commitment to aligning its juvenile justice system with international standards. While challenges remain, particularly regarding the lack of a clear legal framework and the integration of social workers into the criminal justice process, the draft bill represents an important step toward achieving these international goals. The paper concludes by stressing the importance of continued reforms and the need for a comprehensive, integrated approach to addressing juvenile delinquency in Iran

References

- Bagheri, N. (2018). Iran's Criminal Policy on Sexual Abuse: Counteraction and Prevention. *Scientific-Legal Quarterly of Qanoon Yar*, 6, 420.
- Barati, A. (2017). The Role of the Welfare Organization in Preventing Child Abuse in Alborz Province. *Quarterly Journal of Alborz Police Knowledge*, 16, 21.
- Carillo, R. (2002). Early Psycho-Social Intervention in Preventing Criminal Behavior. *Legal Research Journal*(35-36), 267-295.
- Farjad, M. H. (1984). *Social Pathology and Sociology of Deviations*. Badr Publishing.
- Hosseinzadeh, A., & Mirzaei Aghaei, H. (2012). Risk Factors and Protective Factors in Juvenile Delinquency. *Monthly Journal of Correction and Rehabilitation*(138), 16-20.
- Javan Jafari Bojnourdi, A., & Ghatlouei Torghei, S. I. (2024). The Role of Social Workers in the Juvenile Justice System for Victimized Children and Adolescents. *Defender Lawyer Journal*(15), 92-93.
- Kashfi, S. S., & Asanlou, A. (2011). The Role of Social Workers in Preventing Juvenile Delinquency. *Women's Police Studies*(14), 61-77.
- Khosroshahi, G. (2011). Crime Prevention in Quranic Teachings. *Journal of Strategic Management Research*(30 & 31), 55-73ER -.
- Mahdavi, M. (2011). *Crime Prevention (Developmental Prevention)*.
- Mansouri, M. (2007). *Collection of Welfare Laws and Regulations*. Tehran: National Welfare Organization.
- Mir Kamali, S. A., & Hosseini, A. (2015). *Correctional and Rehabilitation Centers from the Perspective of Developmental Prevention*.
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2003). Crime Prevention. *Quarterly Journal of Social Security Studies*, Pre-Issue 2.
- Mousavi Chelak, H. (2009). *Statistical Analysis of Social Issues in Iran (Volume 2: Violence and Theft)*. Tehran: Chelak Publishing.

- Na'mati Rezaei, D. (2006). Causes of Juvenile Delinquency. *Correction and Rehabilitation Journal*(53), 7.
- Najafi Abrandabadi, A. H. (2011). *Fair Crime Prevention*. SAMT Publishing.
- Niazpour, A. H. (2012). Criminological Duties of the Judiciary Under the Fifth Economic, Social, and Cultural Development Plan. *Judiciary Legal Journal*(80), 195-220.
- Sabouri-Pour, M., & Hagbin, F. e. (2023). Innovations and Challenges of the Child and Adolescent Protection Act in Preventing Child Abuse. *Journal of Nations Research*, 22(53), 507-538ER -.
- Shariat, H. (2004). *Alternative Punishments for Juvenile Offenders and Their Comparison with International Documents*. Faculty of Law, University of Tehran].
- Sharif Zari, Z. (2008). *Protection of Victimized Children in the Criminal Justice Process of Iran and England*. Faculty of Law, Shahid Beheshti University].
- Torkashvand, F. (2013). Examining the Prevalence of Child Abuse and Some Demographic Factors Affecting It Among Third-Year Middle School Students in Zanjan. *Journal of Rafsanjan Medical Sciences*, 12, 448.